

مرور زمان مجازات، در احکام تعلیقی که از طرف دادگاه صادر میشود تعلیق میگردد و مدت مرور زمان حکم اولی از تاریخ قطعیت حکم ثانی محسوب می شود
 آثار مرور زمان مجازات در قانون ما مانند آثار بخشودگی است یعنی فقط مرور زمان مانع از اجرای تمام حکم یا قسمتی از آن که اجرا نشده است میگردد دیگر آثاری که از محکومیت ناشی میشود از بین نمیرود چنانکه در آخر ماده ۵۲ این موضوع با جمله (ولیکن نتایج آن از قبیل محرومیت از حقوق باقی خواهد بود) صریحاً بیان شده و همچنین محکومی که مجازات او مشمول مرور زمان شده میتواند در مدتی که قانون تعیین کرده اعاده حیثیت حاصل نماید .

مرور زمان در دادگاههای نظامی - در دادگاههای نظامی هم مرور زمان حق تعقیب و مرور زمان مجازات رعایت میشود و این نکته در ماده ۴۱۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش صریحاً قید گردیده که مواد ۵۱ و ۵۲ قانون کیفر عمومی در دادگاههای نظامی لازم الرعایه است و کلیه اصول و قواعد بیکه راجع به مرور زمان حق تعقیب و مرور زمان مجازات بیان شد در دادگاههای نظامی نیز قابل اجرا است .

علل سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی بزه

مقایسه بین علل سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی بزه با حق تعقیب جنبه عمومی آن .
 بطور کلی علل سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی همان علل سقوط حق تعقیب جنبه عمومی بزه نمی باشد و ممکن است بعضی علل که موجب سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی میشوند موجب سقوط حق تعقیب جنبه عمومی بزه نباشند و همچنین بالعکس .
 در بعضی از موارد عللی که موجب ثبوت حق تعقیب جنبه عمومی است باعث سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی نیست و بالاخره علل مشترك بین هر دو نیز وجود دارد که موجب سقوط حق تعقیب جنبه عمومی و خصوصی بزه می گردد .

حق تعقیب جنبه خصوصی بواسطه مصالحه و یا گذشت شاکی خصوصی ساقط میشود در صورتیکه اصولاً این دو علت موجب سقوط حق تعقیب جنبه عمومی نمیشود و بالعکس فوت متهم یا عفو عمومی که موجب سقوط حق تعقیب جنبه عمومی بزه میگردد تأثیری در حق تعقیب جنبه خصوصی بزه نداشته و موجب سقوط حق مزبور نمی شود

علل مشترکی هم از قبیل اعتبار قضیه مختومه و بامرور زمان بین هر دو موجود است که هم موجب سقوط حق تعقیب جنبه عمومی و هم باعث سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی بزه میشود و چون بطوریکه سابقاً بیان شد اصولاً دادگاههای اختصاصی که دادگاههای نظامی هم از آنجمله محسوب میشوند به ادعای خصوصی متضرر از جرم رسیدگی نمی نمایند بنا بر این از بحث در علل سقوط حق تعقیب جنبه خصوصی بزه صرف نظر نموده و وارد در بحث بازجویی و تحقیقات خواهیم شد.

کتاب دوم - بازجویی و تحقیقات

فصل اول - صلاحیت

تعریف صلاحیت - میزان و مقدار قدرت قانونی که در هر مورد بخصوص هر مرجع قضائی حق اعمال آن را دارد صلاحیت آن مرجع نامیده میشود و این اصطلاح فقط در موقع اعمال قدرتهای قضائی استعمال میگردد.

قواعد راجع بصلاحیت بر دو قسم است قواعد عمومی و قواعد اختصاصی.

قواعد عمومی صلاحیت - هر محکمه ای در حدودی که قانون تعیین کرده حق رسیدگی بدعوی که با رجوع می شود دارد و هیچ محکمه ای خارج از حدودیکه قانون برای آن معین نموده است حق ندارد بدعوی رسیدگی نماید.

در امور جزائی، قواعد هر بوط بصلاحیت از قوانین راجع بنظم عمومی است یعنی در هر حال از طرف اصحاب دعوا ممکن است ایراد بصلاحیت شود و بعلاوه رسماً از طرف قاضی که کار در ترداد و مطرح است باید موضوع مورد نظر قرار داده شود و نتیجه اصل مذکور این است که موضوع صلاحیت قبل از مسائل دیگر باید مورد رسیدگی واقع گردد و هر گاه ایراد بصلاحیت دادگاه شود دادگاه باید جداگانه نسبت بایراد مذکور رسیدگی کرده و اظهار نظر نماید و در صورتیکه خود را صالح برای رسیدگی تشخیص داد میتواند در ماهیت دعوا رسیدگی کرده رأی بدهد ولی در بعضی از موارد تفکیک موضوع صلاحیت از موضوع ماهیت دعوا ممکن نیست دادگاه میتواند ضمن رأی راجع بماهیت بدو نسبت بایراد صلاحیت هم رأی بدهد